

## نقیض موجّهات مرکب جزئیّه نزد خونجی

ابوذر قاعدی فرد\*

سید محمد قادری\*\*

### چکیده

خونجی، پس از بیان نقیض موجّهات بسیط و موجّهات مرکب کلیه، از دو شیوه متفاوت برای استنتاج نقیض گزاره موجّه مرکب جزئیّه استفاده کرده است. او در یک شیوه، نقیض گزاره موجّه جزئیّه را گزاره کلیه مرده‌المحمول می‌داند و در شیوه دیگر نقیض این گزاره را گزاره منفصله‌ای تلقی می‌کند که موضوع یکی از طرفین آن به وسیله محمول مشترک اجزای انفصال مقید شده است. ما در این مقاله پس از بیان مختصری درباره چگونگی تناقض موجّهات بسیط و گزاره‌های مرکب کلیه نزد خونجی، به چگونگی تناقض موجّهات مرکب جزئیّه نزد این منطق‌دان خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که خونجی مبدع شیوه اول استنتاج نقیض این گزاره، و اولین منطق‌دانی است که گزاره مرده‌المحمول را کشف کرده است. هم‌چنین نشان خواهیم داد که خونجی شیوه دوم استنتاج نقیض گزاره موجّه مرکب جزئیّه را وام‌دار کشتی بوده است و دومین منطق‌دانی است که از چنین روشی استفاده کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** گزاره موجّه، موجّه بسیط، موجّه مرکب، تناقض، خونجی، کشتی.

### ۱. مقدمه

پرداختن به چگونگی تناقض در گزاره‌های موجّه سستی نزد منطق‌دانان مسلمان بوده است که سابقه آن پیش از خونجی را می‌توان در آثار منطق‌دانانی چون ابن سینا (الشفا، ۱۹۴۶: ۳۸-۵۰) و فخر رازی (۱۳۸۱: ۱۸-۱۸۴) یافت. خونجی نیز از چنین سستی پیروی کرده است و

\* دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (نویسنده مسئول)، aabozar@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

به تفصیل به بحث تناقض در گزاره‌های موجّهه پرداخته است. وی در بحث تناقض موجّهات، علاوه بر بحث از نقیض گزاره‌های بسیط، به بحث موجّهات مرکب می‌پردازد که بیش از همه آن‌چه در این فصل از کتاب *کشف‌الأسرار* خونجی خودنمایی می‌کند، پرداختن وی به نقیض گزاره‌های موجّهه مرکب جزئیّه است.

بحث تناقض موجّهات جزئیّه نزد خونجی به دو دلیل از اهمیت بسزایی برخوردار است. دلیل اول کشف نقیض این گزاره‌هاست که اسداله فلاحی پیشینه چنین کشفی را در کتاب *حدیقه‌الحدائق* زین‌الدین کشی (منطق‌دانی که اندکی قبل از خونجی می‌زیسته است) دانسته است (فلاحی، ۱۳۹۱ ب؛ ۱۳۹۱ ج). دلیل دوم کشف گزارهٔ مرده‌المحمول است که خونجی از آن به‌عنوان نقیض گزاره‌های موجّهه مرکب جزئیّه نام برده است. گزارهٔ مرده‌المحمول در عصر خونجی کشف شده است اگرچه منطق‌دانان این دوره نام مرده‌المحمول را بر آن نهاده‌اند.<sup>۱</sup> گزارهٔ مرده‌المحمول در این دوره به‌عنوان گزارهٔ حملیهٔ شبه‌منفصله نزد منطق‌دانان شناخته بوده است. برای مثال در کتاب *تعديل المعيار في نقد تنزيل الأفكار*، خواجه نصیرالدین طوسی متنی از ابهری آورده است که احتمال مشتبه شدن این گزاره با گزارهٔ بیان می‌کند و خواجه در شرح (نقد) آن این‌گونه ادعا کرده است که بهتر آن است که حملیه دانسته شود.<sup>۲</sup> علاوه بر مورد قبل، قطب‌الدین رازی نیز در شرح *مطالع‌الأنوار* با همین عنوان از گزارهٔ مرده‌المحمول یاد کرده است.<sup>۳</sup>

به‌رغم وجود نوآوری‌های خونجی در بحث تناقض موجّهات مرکب جزئیّه، در آثار پژوهشگران معاصر تنها دو اثر مرتبط با این بحث خونجی وجود دارد. مساعی اول مقالات نیکولاس رشر است که هرچند مستقیماً مربوط به خونجی نیست اما دربارهٔ شارحان خونجی است (مانند کاتبی، ابهری، و ارموی) و شارحان شارحان او (مانند علامه حلی و قطب‌الرازی) که لطف‌اله نبوی آن را به‌صورت یک‌جا در کتاب *منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر*، گرد آورده است (نبوی، ۱۳۸۱). در این کتاب انواع گزاره‌های موجّهه نزد منطق‌دانان مسلمان، به زبان منطق جدید، صورت‌بندی شده است که صورت‌بندی‌های نوشتار حاضر نیز با اندکی تغییر (در ادامه بیان خواهد شد) از رویهٔ صورت‌بندی‌های آن تبعیت می‌کند. مساعی دوم تلاش اسداله فلاحی در بیان نوآوری خونجی در نقیض گزاره‌های جزئیّه مرکب است که در وبلاگ «منطق در ایران» منتشر شده است (فلاحی، ۱۳۹۱ ج). این اثر گرچه مستقیماً با بحث نقیض موجّهات مرکب جزئیّه ارتباط دارد اما نسبت به تلاش خونجی اندک است و فقط به بخشی از نقیض موجّهات جزئیّه نزد خونجی پرداخته است و آن‌گونه که باید حق مطلب را ادا نکرده است.

علاوه بر موارد فوق که در مورد نقیض موجّهات خونجی بود، در مورد دیگر بحث‌های موجّهات خونجی در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی صورت گرفته است. اسداله فلاحی در مقاله «عکس مستوی قضایای حقیقیه نزد خونجی» مبحث عکس نقیض خونجی را به بحث گذاشته است (فلاحی، ۱۳۹۱). هم‌چنین نیمی از کتاب *منطق خونجی اثر فلاحی (فلاحی، ۱۳۹۲)* به موجّهات خونجی پرداخته است. نگارنده این سطور در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود و مقاله «منطق موجّهات خونجی و گزاره‌های همیشه‌صادق نزد او» (۱۳۹۰)، به گزاره‌های همیشه‌صادق خونجی پرداخته است، که بخشی از مبحث عکس نقیض خونجی است. علاوه بر این در مقاله «صورت‌بندی موجّهات خونجی در منطق موجّهات زمانی جدید» (۱۳۹۲)، پس از معرفی موجّهات خونجی، آنان را دسته‌بندی و صورت‌بندی کرده است. بنابراین با توجه به اهمیت بحث نقیض موجّهات مرکب جزئیّه نزد خونجی و نبود پژوهشی در این زمینه که تمام زوایای این بحث نزد خونجی را به نمایش گذاشته باشد، مقاله حاضر بر آن است به چگونگی نقیض موجّهات جزئیّه نزد این منطق‌دان بپردازد و دیدگاه وی را بر اساس منطق جدید صورت‌بندی کند.

## ۲. موجّهات خونجی و چگونگی صورت‌بندی آن

خونجی، در بخش پنجم از فصل سوم کتاب *کشف‌الأسرار (۱۳۸۹: ۹۳-۱۱۶)*، دسته‌بندی نسبتاً مرتبی از گزاره‌های موجهه ارائه کرده است که بر اساس آن گزاره موجهه به ۳۴ قسم به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود. نگارنده این سطور در مقاله «صورت‌بندی موجّهات خونجی در منطق موجّهات زمانی جدید» (۱۳۹۲)، دسته‌بندی خونجی را در یک جدول مرتب کرده است، جهت سهل‌سازی پیگیری مطالب خونجی، در این مقاله از آن جدول استفاده شده است.

ردیف	نوع	نام گزاره	ردیف	نوع	نام گزاره
۱	ضروریّه	ضرورت ازلی *	۱۸	فعلیّه	حینیّه لاضروریّه
۲		ضروریّه مطلقه ■ *	۱۹		حینیّه ممکنه
۳		مشروطه عامه ■ *	۲۰		حینیّه ممکنه لادائمه
۴		مشروطه خاصه ■ *	۲۱		حینیّه ممکنه لاضروریّه
۵	ضروریّه	وقتیّه لادائمه	۲۲		وقتیّه مطلقه *
۶		منتشره لادائمه	۲۳		وقتیّه لاضروریّه
۷		ضرورت به شرط محمول *	۲۴		منتشره مطلقه ■ *
۸		دائمه مطلقه ■ *	۲۵		منتشره لاضروریّه

وقتیه عامه	وقتیه	۲۶	عرفیه عامه *	دائمه	۹	
وقتیه عامه لادائمه		۲۷	عرفیه خاصه ■ *		۱۰	
وقتیه عامه لاضروریه		۲۸	ممکنه عامه ■ *		فعلیه	۱۱
وقتیه ممکنه مطلقه		۲۹	ممکنه خاصه ■ *			۱۲
وقتیه ممکنه لادائمه		۳۰	مطلقه عامه ■ *			۱۳
وقتیه ممکنه لاضروریه		۳۱	وجودیه لادائمه ■ *			۱۴
ممکنه دائمه	متفرقه	۳۲	وجودیه لاضروریه ■ *	۱۵		
مشروطه لادائمه		۳۳	حینیّه مطلقه	۱۶		
عرفیه لاضروریه		۳۴	حینیّه لادائمه	۱۷		

در جدول فوق گزاره‌های ستاره‌دار را ابن سینا (بی تا، *التقیاس*) و گزاره‌های مربع‌دار را فخررازی بیان کرده‌اند (۱۳۸۱: ۱۶۹). نگارنده در مقاله «صورت‌بندی موجّهات خونجی در منطق موجّهات زمانی جدید» این گزاره‌ها را به بحث گذاشته و برای هر کدام از آنان مثال آورده است و به تبعیت از بحث عکس نقیض خونجی آنان را به دو صورت (الف) اصلی و فرعی و (ب) بسیط و مرکب دسته‌بندی کرده است. در این مقاله به علت عدم اطالّه کلام و پرهیز از تحصیل حاصل، به دسته‌بندی این گزاره‌ها پرداخته نشده است. مقاله فوق موجّهات خونجی را صورت‌بندی کرده است. در این مقاله پس از بیان صورت‌بندی‌هایی که تا پیش از آن از گزاره موجّهه ارائه شده‌اند، به کاستی موجود در آن صورت‌بندی‌ها اشاره شده است. از آن‌جا که نقص صورت‌بندی‌های پیشین ناشی از عدم صورت‌بندی «قید زمان» در گزاره موجّهه است، در منطق موجّهات زمانی، علاوه بر «قید جهت»، «قید زمان» نیز با استفاده از متغیر زمان (t) صورت‌بندی شده و در صورت‌بندی این گزاره‌ها به کار رفته است. چگونگی تعریف «قید جهت» و «قید زمان» در منطق موجّهات زمانی بدین شرح است:

R	جهت	نمایش صوری	R	قید زمانی	نمایش صوری
1	ضرورت	$\square$	1	هر زمان وجود موضوع (وجودیه)	$\forall t (E mt \rightarrow)$
2	دوام	$\forall t$	2	هر زمان وصف موضوع (مشروطه)	$\forall t (Amt \rightarrow)$
3	فعلیت	$\exists t$	3	برخی زمان وصف موضوع (حینیّه)	$\exists t (Amt \wedge)$
4	امکان عام	$\diamond$	4	زمان معین وجود موضوع (وقتیه)	$Bmt_0$
5	امکان خاص	$\Delta$	5	زمان غیرمعین وجود موضوع (متشره)	$\exists t Bmt$

بر اساس تعاریف جدول فوق، در مقاله صورت‌بندی موجهات خونجی در منطق موجهات زمانی جدید، موجهات خونجی صورت‌بندی شده‌اند. در این مقاله از این صورت‌بندی‌ها برای نمایش دیدگاه خونجی درباره نقیض موجهات استفاده خواهد شد.

### ۳. نقیض موجهات نزد خونجی

چنان‌که بیان شد، پیشینه بحث تناقض در موجهات، قبل از خونجی در آثار ابن‌سینا و فخررازی وجود داشته است. این بحث هم شامل چگونگی تناقض در موجهات بسیط است و هم شامل چگونگی آن در موجهات مرکب. خونجی نیز در کتاب *کشف‌الأسرار* بحث تناقض موجهات بسیط و مرکب را به تفکیک بیان کرده است. از آن‌جا که دیدگاه خونجی درباره تناقض موجهات بسیط همان است که نزد ابن‌سینا و فخررازی بیان شده است در این مقاله پس از بیان مختصری از آن به بحث موجهات مرکب خواهیم پرداخت.

#### ۱.۳ نقیض گزاره‌های موجهه بسیط

همانند ابن‌سینا، خونجی در بحث نقیض موجهات بسیط، از دو قاعده «نقض سور» و «نقض جهت» استفاده کرده است.<sup>۴</sup> وی در این بخش نقیض شش گزاره بسیط را، که در دسته موجهات اصلی نزد او قرار دارند، بیان کرده است. چگونگی نقیض این گزاره‌ها نزد خونجی به شرح جدول زیر است.

گزاره	در تناقض	اصل
دائمه مطلقه $\forall t(E!mt \rightarrow \sim Bmt)$	نقیضش برابر است با	مطلقه عامه $\exists t(E!mt \wedge Bmt)$
ضروریه مطلقه $\forall t(E!mt \rightarrow \Box Bmt)$	نقیضش برابر است با	ممکنه عامه $\exists t(E!mt \wedge \Diamond Bmt)$
حینیّه مطلقه $\exists t(Amt \wedge \sim Bmt)$	نقیضش برابر است با	عرفیه عامه $\forall t(Amt \rightarrow Bmt)$
حینیّه ممکنه $\exists t \Diamond (Amt \wedge \sim Bmt)$	نقیضش برابر است با	مشروطه عامه $\forall t \Box (Amt \rightarrow Bmt)$
ممکنه دائمه $\forall t \Diamond \sim Bmt$	نقیضش برابر است با	متشره مطلقه $\exists t \Box Bmt$
وقتیّه ممکنه $\Diamond \sim Bma$	نقیضش برابر است با	وقتیّه مطلقه $\Box Bma$

### ۲.۳ نقیض گزاره‌های موجّهه مرکب

با توجه به تفاوت نقیض گزاره‌های موجّهه مرکب، به لحاظ کلیه یا جزئیّه بودن، خونجی در دو پاراگراف جداگانه از چگونگی تناقض در این گزاره‌ها بحث کرده است. از آن‌جا که بیان دیدگاه خونجی هدف اصلی این مقاله است، در ادامه به صورت جداگانه به نقیض هر کدام از این گزاره‌ها خواهیم پرداخت.

#### ۱.۲.۳ نقیض موجّهات مرکب کلیه

از آن‌جا که خونجی گزاره مرکب را متشکل از ترکیب دو گزاره بسیط می‌داند که حکم آن ترکیب این دو است، نقیض چنین گزاره‌ای را بر اساس قاعده «نقیض کلّ شیء رفعه» رفع چنین ترکیبی دانسته است. خونجی چاره رفع چنین ترکیبی را در رفع یکی از اجزای آن یافته است و چون متعین نیست که کدام جزء نقیض شود، خونجی نقیض این گزاره را ترکیب فصلی (مانعه‌الخلو) نقیض اجزایش دانسته است که در صورت صدق گزاره اصل، هر دو طرف انفصال کاذب و در صورت صدق هر کدام از طرفین انفصال، گزاره اصل کاذب خواهد بود. همه آن‌چه را بیان شد خونجی در یک عبارت بیان کرده است: «... و أمّا الباقی فنقیضها هو المفهوم المرادّ بین نقیضی جزئیها الذی یحتمل کلّ واحد منهما و ینقسم إلیهما»<sup>۵</sup> (خونجی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

در عبارت فوق، مقصود خونجی از «الباقی» گزاره‌های موجّهه مرکب است و در عبارت «هو المفهوم المرادّ بین نقیضی جزئیها الذی یحتمل کلّ واحد منهما و ینقسم إلیهما» مقصود از «المفهوم المرادّ» یک قضیه منفصله مانع‌خلو میان نقیض دو جزء است. بنابراین، نقیض «هر الف ب است لا دائماً» برابر است با «یا چنین نیست که هر الف ب است یا چنین نیست که هر الف چنین نیست که دائماً ب است» که معادل است با «یا برخی الف ب نیست دائماً یا برخی الف ب است دائماً».

عبارت فوق خونجی را ارموی در کتاب *مطالع الأنوار* این‌گونه بیان کرده است: «المرکبة فنقیضها المفهوم المرادّ بین نقیضی جزئیها» (بی‌تا: ۱۶۹). قطب‌الدین رازی در کتاب *شرح المطالع الأنوار فی المنطق*، این عبارت ارموی را به تفصیل شرح داده است.<sup>۶</sup> مطالب این کتاب در بیان دیدگاه خونجی راهنمای نگارندگان بوده است. از آن‌جا که پرداختن به نقیض موجّهات مرکب کلیه هدف اصلی این مقاله نیست، در این بخش نیز همانند نقیض گزاره‌های بسیط به بیان دیدگاه خونجی در یک جدول به صورت زیر اکتفا شده است.

منفصله‌ای که متشکل از	~	گزارهٔ موجههٔ کلیه (اصل)
حینیهٔ مطلقهٔ مخالف و دائمهٔ موافق باشد $\exists x \{Ax \wedge [\exists t(Axt \wedge \neg Bxt)]\} \vee \exists x \{Ax \wedge [\forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]\}$	نقیضش می‌شود	عرفیهٔ خاصه $\forall x \{Ax \rightarrow [\forall t(Axt \rightarrow Bxt) \wedge \neg \forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]\}$
حینیهٔ ممکنهٔ موافق و دائمهٔ مخالف باشد $\exists x \{Ax \wedge [\exists t(Axt \wedge \neg Bxt)]\} \vee \exists x \{Ax \wedge [\forall t(E!xt \rightarrow \Box Bxt)]\}$	نقیضش می‌شود	مشروطهٔ خاصه $\forall x \{Ax \rightarrow [\forall t(\Box(Axt \rightarrow Bxt) \wedge \neg \forall t(E!xt \rightarrow \Box Bxt))]\}$
وقتییهٔ ممکنهٔ مخالف و دائمهٔ مخالف است $\exists x (Ax \wedge \Diamond \neg Bxa) \vee \exists x [Ax \wedge \forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]$	نقیضش می‌شود	وقتیه $\forall x \{Ax \rightarrow [\Box Bxa \wedge \neg \forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]\}$
دو گزارهٔ دائمه (یک موجهه و یک سالبه) باشد $\exists x \{Ax \wedge [\forall t(E!xt \wedge \neg Bxt)]\} \vee \exists x \{Ax \wedge [\forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]\}$	نقیضش می‌شود	وجودیهٔ لادائمه $\forall x \{Ax \rightarrow [\exists t(E!xt \wedge Bxt) \wedge \neg \forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]\}$
یک دائمهٔ مخالف و یک ضروریهٔ موافق باشد $\exists x \{Ax \wedge [\forall t(E!xt \wedge \neg Bxt)]\} \vee \exists x \{Ax \wedge [\forall t(E!xt \rightarrow \Box Bxt)]\}$	نقیضش می‌شود	وجودیهٔ لاضروریه $\forall x \{Ax \rightarrow [\exists t(E!xt \wedge Bxt) \wedge \neg \forall t(E!xt \rightarrow \Box Bxt)]\}$
دو گزارهٔ ضروریه (موافق و مخالف) باشد $\exists x (Ax \wedge \forall t \Box Bxt) \vee \exists x (Ax \wedge \forall t \Box \neg Bxt)$	نقیضش می‌شود	ممکنهٔ خاصه $\forall x [Ax \rightarrow (\exists t \Diamond Bxt \wedge \exists t \Diamond \neg Bxt)]$
ممکنهٔ دائمهٔ مخالف و دائمهٔ موافق باشد $\exists x (Ax \wedge \forall t \Diamond \neg Bxt) \vee \exists x [(Ax \wedge \forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]$	نقیضش می‌شود	متشره (لادائمه) $\forall x [Ax \rightarrow (\exists t \Box Bxt \wedge \neg \forall t(E!xt \rightarrow Bxt)]$

همان‌گونه که در جدول نیز صورت‌بندی شده است، خونجی جزء دوم گزارهٔ «مشروطهٔ خاصه» را قید لاضرورت می‌داند نه لادوام. «والتالثه الضروریه بحسب الوصف مع قید اللاضروریه المطلقه و تسمی مشروطه الخاصه» (خونجی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

### ۲.۲.۳ نقیض موجهات مرکب جزئیه

چنان‌که در مقدمه گفته شد، کشف نقیض موجهات جزئیه یکی از نوآوری‌هایی منطق‌دانان مسلمان اوایل قرن هفتم است. فلاحی در وبلاگ منطق در ایران متنی از کتاب *حدایق الحقائق* آورده است که حکایت از آن دارد که زین‌الدین کشی اولین منطق‌دانی است که نقیض گزارهٔ جزئیه را کشف کرده است.

[۱.] ثم اعلم بأن هذه الجزئیه إن أخذت "لادائمه" كقولنا "بعض الموجود ممکن لا دائماً" لا يكفی فی نقیضها مطلق الكلیتین لاجتماع الكلّ علی الكذب ههنا قطعاً؛

[۲.] بل لا بدّ فی نقیضها من تقييد الموضوع بالمحمول فی الموجبة الكلية ليصير الموضوع

أخص فيخرج عنه واجب الوجود و تصدق القضية كلية كقولنا "كل موجود ممكن فهو ممكن دائماً" و حينئذ يكذب بها مثل هذه الجزئية لا محالة، موجبة كانت أو سالبة، فأعرفه و قس الباقي عليه<sup>١</sup> (كشّی، حادایق الحقایق، برگ ۵، به نقل از فلاحی، ۱۳۹۱، [www.logiciran.blogfa.com](http://www.logiciran.blogfa.com)).

فلاحی عبارات فوق را در وبلاگ منطق ایران شرح داده است، بنابراین در این جا به ترجمه این عبارات نمی پردازیم. نکته ای که در عبارت اول کشّی وجود دارد و چنان که در ادامه خواهد آمد، خونجی نیز در پرداختن به نقیض گزاره جزئیّه از آن استفاده کرده است، از مجموع دو گزاره ای که نقیض یکدیگرند، همواره یکی صادق و دیگری کاذب خواهد بود. چنان که در بخش قبل بیان شد، خونجی نقیض موجّهات مرکب کلیه را گزاره منفصله ای می دانست که طرفین آن نقیض اجزای گزاره اصل است. در بحث موجّهات جزئیّه، با توجه به احتمال محذور ارتفاع نقیضین، که کشّی آن را بیان کرده بود، خونجی چنین راه کاری را ناکارآمد می داند؛

لكن القضية المركبة اذا كانت الجزئية لم يكن نقیضها المفهوم المراد بين شمول نقیض احد الجزئين لجميع الأفراد و بين شمول الآخر لجمعها، لأنه إذا لم يثبت الألف مع الباء في بعض الأفراد جاز أن يكون ذلك لخلو جميع الأفراد عن الألف و لخلو جميعها عن الباء، و لخلو بعضها عن الألف الباقي عن الباء. فإذا كذب "بعض الجسم ليس بحيوان دائماً" جاز أن يكون الكلّ حيواناً دائماً، وأن لا يكون شيء منها حيواناً دائماً و أن يكون البعض حيواناً دائماً و الباقي مسلوباً عنه الحيوانية دائماً. بل نقیضه أن يردّد بين نقیضی الجزئين لكل واحد واحد، أي كل واحد واحد لا يخلو عن نقیضهما...<sup>١</sup> (خونجی، ۱۳۸۹: ۱۲۶، ۱۲۷).

در متن فوق، عبارت «لم يكن نقیضها المفهوم المراد بين شمول نقیض احد الجزئين لجميع الأفراد و بين شمول الآخر لجمعها» تفاوت روش به دست آوردن تناقض گزاره های جزئیّه را با روش استنتاج تناقض گزاره های مرکب کلیه بیان می کند. استدلال خونجی درباره چنین تفاوتی همان احتمال محذور ارتفاع نقیضین است که آن را در قالب عبارت «لأنه إذا لم يثبت الألف مع الباء في بعض الأفراد جاز أن يكون ذلك لخلو جميع الأفراد عن الألف و لخلو جميعها عن الباء، و لخلو بعضها عن الألف الباقي عن الباء» بیان می کند. شرح استدلال خونجی این گونه است: اگر گزاره اصل گزاره «بعضی اجسام حیوان نیستند نه دائماً» باشد و کاذب. در این حالت نقیض این گزاره، به علت محال بودن ارتفاع نقیضین، باید صادق باشد. اینک اگر با همان روش نقیض گزاره موجبه کلیه نقیض این گزاره را به دست آوریم، این گونه خواهد بود: «همه اجسام حیوان اند دائماً یا هیچ جسمی حیوان نیست دائماً». بنابراین از



آنجا که برخی اجسام حیوان‌اند دائماً و برخی دیگر حیوان نیستند دائماً، طرفین گزاره منفصله، کاذب و در نتیجه کل گزاره کاذب خواهد بود و چون گزاره اصل نیز کاذب است، ارتفاع نقیضین پدید خواهد آمد.

در پاراگراف قبل، دلیل خونجی مبنی بر متفاوت بودن شیوه استنتاج نقیض میان موجهات مرکب کلیه و جزئیه بیان شد. خونجی راه‌هایی از افتادن در دام محذور ارتفاع نقیضین در استنتاج نقیض گزاره جزئیه را، محمول قرار دادن نقیض اجزای گزاره اصل به صورت منفصله مانع‌الخلو در گزاره کلی‌ای که موضوع آن موضوع گزاره اصل است می‌داند. چنین گزاره‌ای امروزه به نام گزاره موجهه‌المحمول شهرت دارد. در متن قبل عبارت «بل نقیضه أن یردّد بین نقیضی الجزئین لکلّ واحد واحد، آی کلّ واحد واحد لایخلو عن نقیضهما» به این دیدگاه اشاره دارد.

یکی از نوآوری‌های خونجی در بحث نقیض گزاره جزئیه بیان گزاره موجهه‌المحمول است اگرچه خونجی از آن با عنوان گزاره «مردده‌المحمول» نام نبرده است اما در پاراگراف قبل نشان داده شد که مصداق آن به دست وی شناخته شده بود. این گزاره پس از خونجی در میان منطق‌دانانی هم‌چون ابهری (به روایت از طوسی ۱۳۷۰: ۱۸۰)،<sup>۱۰</sup> ارموی (← رازی، بی تا: ۱۷۱)، خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۷۰: ۱۸۰)، و قطب رازی (بی تا: ۱۷۱) با عنوان گزاره «حملیه شبه‌منفصله» بیان شده است و در نهایت مولی عبدالله یزدی عنوان «مردده‌المحمول» را بر آن نهاد (به نقل از: بازرگانی، ۱۳۸۷).

علاوه بر دیدگاه فوق که نقیض گزاره موجهه مرکب جزئیه را موجهه‌ای کلی مردده‌المحمول می‌دانست، خونجی شیوه دومی را نیز در استنتاج نقیض این گزاره معتبر دانسته است. روش دوم خونجی در استنتاج نقیض گزاره جزئیه شباهت بسیاری با عبارت دوم کشی، که در ابتدای این بخش آورده شد، دارد. بنابراین برای بیان دیدگاه خونجی ناگزیر به بیان اختصاری درباره عبارت دوم کشی خواهیم بود.

اگر به دلایل خونجی در تعیین گزاره مردده‌المحمول به عنوان نقیض گزاره موجهه مرکب جزئیه نظری بیفکنیم، این‌گونه خواهیم یافت که محذور احتمال ارتفاع نقیضین به علت تعمیم موضوع گزاره نسبت به هر دو جزء گزاره است. به عبارت دیگر، در حالتی که در گزاره اصل (جزئیه) موضوع تعمیم نیافته است در گزاره نقیض (کلیه) موضوع تعمیم یافته است و حکم موجود در آن تمام افراد موضوع را شامل می‌شود. راه‌کار کشی در عبارت دوم خویش، جهت رفع چنین محذوری، مقید کردن موضوع گزاره به قید محمول گزاره اصل است تا بدین صورت دامنه سخن در گزاره کلیه (نقیض) نیز به همان میزان

گزاره جزئیة (اصل) شود. فلاحی عبارت دوم کشی را نیز در وبلاگ منطق ایران شرح داده است. بنابراین بیان همین مقدار درباره دیدگاه کشی، به عنوان مقدمه بیان دیدگاه دوم خونجی کفایت می کند.<sup>۱۱</sup>

دومین روش استنتاج نقیض گزاره جزئیة نزد خونجی همان دیدگاه کشی است که در پاراگراف قبل بیان شد. بدین صورت که اگر اصرار بر آن داشته باشیم که نقیض گزاره موجهه مرکب جزئیة را همانند گزاره کلیه آن گزاره‌ای منفصله که طرفین آن نقیض اجزای گزاره اصل هستند لحاظ کنیم، باید موضوع یکی از طرفین گزاره منفصله (نقیض) را به محمول مشترک هر دو مؤلفه مقید کنیم. برای مثال، در این صورت نقیض گزاره «بعضی ج ب است دائماً» گزاره منفصله «هر چیزی که ج ب است ب است دائماً یا چنین نیست که هر ج ب است دائماً»، خواهد بود.

... و إذا طُلبَ ما يلزم نقیضَ هذه الجزئية لزوماً مساوياً مما يتردد بين قضيتين كليتين قُيِّد موضوعُ أحد جزئي انفصال النقيض بقيد المحمول و جعل اللازم المساوي لنقيض قولنا «بعض ج ب لادائماً» كل ج ب فهو ب دائماً أو لا شيء من ج ب دائماً، لأن إحدى هاتين الكليتين الدائمتين لا تجامع القضية المذكورة في الصدق والكذب<sup>۱۲</sup> (خونجی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

اگرچه روش دوم خونجی در استنتاج نقیض گزاره موجهه جزئیة با دیدگاه کشی شباهت بسیاری دارد، اما حکم به این که خونجی وام دار وی است احتیاط بیش تری می طلبد. در مجموع درباره این که خونجی این روش را از کشی وام گرفته است می توان دو احتمال مطرح کرد؛ احتمال اول این که از آن جا که به لحاظ زمانی متن *حدائق الحقایق* کشی قبل از کشف الأسرار خونجی نگاشته شده است، خونجی به این منبع دسترسی داشته است و دیدگاه دوم خویش را از آن اقتباس کرده است. از این گذشته، این که خونجی در برخی مباحث کتاب کشف الأسرار به آرای کشی نیز ارجاع داده است. احتمال دوم این که خونجی در دیدگاه اول خویش (مردده المحمول بودن نقیض گزاره جزئیة مرکب)، کاستی هایی یافته و در پی یافتن راه کاری جهت رفع این کاستی ها به روش دوم استنتاج نقیض گزاره موجهه مرکب جزئیة دست یافته است. با رجوع به متن کشف الأسرار صحت هر دو احتمال فوق با هم تأیید می شود. خونجی در پایان دیدگاه خویش هم به کاستی دیدگاه اول خویش اشاره و گفته است که این دیدگاه را کشی بیان کرده است.

فهذا أمر لا بد من اعتباره في الوجوديتين و في كل ما يقيد بالادوام أو يتركب من أمرين لا يشترک نقیضهما في مفهوم واحد محقق. و قد أهمل ذلك و بيته بعض المحصلين من أهل الزمان<sup>۱۳</sup> (همان: ۱۲۸).

#### ۴. نتیجه گیری

خونجی در بحث نقیض موجهات به تفصیل به بحث تناقض در سیزده گزاره اصلی پرداخته است. وی این بحث را به صورت جداگانه برای گزاره‌های بسیط و مرکب بیان کرده است. در بحث گزاره‌های مرکب خونجی میان شیوه استنتاج نقیض گزاره‌های جزئی و کلیه تفاوت قائل شده است. در این مقاله پس از بیان اجمالی چگونگی دیدگاه خونجی در مورد تناقض گزاره‌های موجه بسیط و گزاره موجه مرکب کلیه دیدگاه وی در مورد این گزاره‌ها به اختصار در دو جدول جداگانه بیان شد.

خونجی در چگونگی استنتاج نقیض گزاره موجه مرکب جزئی دو شیوه استنتاج بیان کرده است. شیوه اول نقیض این گزاره را مرده‌المحمول و شیوه دوم نقیض چنین گزاره‌ای را گزاره منفصله متشکل از نقیض اجزای گزاره اصل در حالتی که موضوع یکی از طرفین انفصال مقید به موضوع مشترک طرفین است می‌داند. در این مقاله در بحث موجهات جزئی مرکب به شرح این دو دیدگاه خونجی پرداخته شد و نشان داده شد که خونجی اولین منطق‌دانی است که شیوه اول را در استنتاج نقیض گزاره موجه مرکب جزئی برگزیده است و به مصداق گزاره مرده‌المحمول اشاره کرده است. هم‌چنین نشان داده شد که شیوه دوم استنتاج نقیض گزاره مرکب جزئی ابتدا از سوی کشی بیان شد و خونجی دومین منطق‌دانی است که این شیوه را به کار بسته است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. ابراهیم بازرگانی در مقاله «حملیه مرده‌المحمول و کاربرد آن در استدلال مباشر و قیاس‌های اقترانی»، مولی عبدالله یزدی را اولین منطق‌دانی دانسته است که نام مرده‌المحمول را بر این گزاره نهاده است (بازرگانی و عسکری سلیمانی، ۱۳۸۷).
۲. قوله: و متی کان حرف الانفصال متأخراً عن موضوع المقدم، كقولنا: «كل عدد اماً زوج او فرد» اشتبهت القضية بالحملیه، و ان كان المراد منه ان كل عدد يصدق عليه احدهما كانت القضية حملیه. و ان كان المراد منه العناد بین قولنا «كل عدد زوج» و بین قولنا «كل عدد فرد» كانت منفصلة مانعة الجمع. اقول: لو قال: ان قولنا «كل عدد اماً زوج او فرد» فی قوة حملیه لكان اصوب، لأنه لو جاز ان يكون حملیه لجاز ان يكون قولنا «زید اماً كاتب او لیس بكاتب» حملیه (طوسی، ۱۳۷۰: ۱۸۰).
۳. ذلك اذا حمل علی موضوع واحد امران متقابلان فان قدم الموضوع علی حرف العناد كقولنا العدد اماً زوج و اماً فرد فالتضیة حملیه مشابهة للمنفصلة و ان اخر عنها كقولنا اماً ان يكون العدد زوجا او فردا فهي منفصلة شبيهة بالحملیه (رازی، بی تا: ۱۷۱).

۴. واعلم أنّ العموم و الخصوص بحب الأزمته فی حکم العموم و الخصوص بحسب الأفراد. فنقیض الثبوت فی جمیع الأوقات هو السلب فی بعض الأوقات و بالعکس. والزمان إن كان معیناً كان المعبر من الجهة الزمانيّة هو ذلك المعین فی القضیّتين و إلّا اعتبر الإختلاف بالکمیة، و حکم المطلق العامّ حکم بعض الأزمته ... (خونجی، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

۵. و اما [گزاره‌های] باقی‌مانده (مرکبه کلیه) نقیض آن مردد (منفصله) است میان نقیض هر کدام از دو جزئی که از آن تشکیل یافته است.

۶. جهت اطلاع از چگونگی نقیض موجّهات مرکب کلیه ← رازی، بی تا: ۱۶۸-۱۷۰.

۷. ترجمه: پس آگاه باش به این که این [گزاره] جزئیّه اگر لادائمه لحاظ شود مانند [گزاره] «بعض الموجود ممکن لا دائماً» در نقیض آن تنها کلیه بودن [دو طرف انفصال] کفایت نمی‌کند به‌خاطر اجتماع کل (دو گزاره اصل و نقیض) در کذب در این جا قطعاً.

۸. ترجمه: پس ناگزیریم در نقیض آن از قید زدن موضوع با محمول در گزاره کلیه (نقیض) به دلیل این که موضوع خاص تر شود و واجب‌الوجود از [دامنه] آن خارج شود و گزاره کلیه صادق باشد مانند «کل موجود ممکن فهو ممکن دائماً» در حالی که به‌وسیله آن، [گزاره‌ای] مانند این جزئیّه کاذب خواهد بود و فرقی نمی‌کند موجه باشد یا سالبه، پس آن را بشناس و باقی را بر اساس آن تعریف کن.

۹. ترجمه: اما اگر گزاره مرکبه جزئیّه باشد، نقیض آن مفهوم مرددی (گزاره منفصله‌ای) نیست میان شمول (کلیت) نقیض یکی از اجزا (اجزای گزاره اصل) برای همه افراد و بین شمول (کلیت) جزء دیگر برای همه افراد؛ زیرا اگر اثبات نشود الف با ب در برخی موارد (برخی الف ب نباشد) احتمال دارد آن (چنین حالتی) به‌خاطر خلو همه افراد از الف باشد و برای خلو همه آنان از ب [باشد]، و به‌خاطر خلو برخی از افراد از الف و باقی دیگر از ب باشد. پس اگر گزاره «بعضی جسم حیوان نیست دائماً» جایز است (احتمال دارد) که کل (همه مجموعه) حیوان باشد دائماً و یا هیچ شیء‌ای از آن حیوان نباشد دائماً و یا بعضی حیوان باشد دائماً و باقی دیگر حیوانیت از او سلب شود دائماً. بلکه نقیض آن (گزاره جزئیّه) مردد است (با ادات فاصل می‌آید) میان نقیض هر دو جزء آن برای تک تک افراد، یعنی همه افراد خالی از نقیض آن دو (نقیض اجزای گزاره اصل) نیستند.

۱۰. ابراهیم بازرگانی در مقاله «حمله مردده‌المحمول و کاربرد آن در استدلال‌های مباشر و قیاس اقترانی» این‌گونه ادعا کرده است که ابهری اولین منطق‌دانی بوده است که گزاره مردده‌المحمول را کشف کرده است، و از خونجی به‌عنوان دومین منطق‌دانی که این گزاره را بیان نموده است یاد کرده است. با توجه به این که بر اساس ادعای خالد الرویهب در مقدمه کتاب کشف‌الأسرار (۳۱-۳۳) مبنی بر این که ابهری در آثار خویش به خونجی استناد کرده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که خونجی اولین منطق‌دانی بوده است که این گزاره را تشخیص داده است و ابهری پس از خونجی از دیدگاه وی استفاده کرده است.

۱۱. جهت اطلاع از شرح فلاحی ← فلاحی، ۱۳۹۱ ب.
۱۲. ترجمه: اگر خواسته شود آنچه لازم می‌آید از نقیض این جزئیة لزوماً، از نوع [گزاره‌ای] که مردد (منفصله) است میان دو گزاره کلیه (نقیض اجزای گزاره اصل)، موضوع یکی از اجزای انفصال قید محمول زده می‌شود آنچه مردد است میان دو گزاره کلیه، موضوع یکی از اجزای انفصال نقیض به قید محمول قید زده خواهد شد و لازم مساوی قرار داده خواهد شد. و قرار داده می‌شود. به‌خاطر نقیض این گفته‌مان «بعض ج ب لادائماً» با گزاره «کل ج ب فهو ب دائماً» او لا شیء من ج ب دائماً». به‌خاطر این‌که یکی از این دو گزاره دائماً کلیه، با گزاره مذکوره (اصل) در صدق و کذب جمع نخواهد شد.
۱۳. ترجمه: پس این امر (روش)، ناگزیریم از اعتبار کردنش در وجودیه‌ها و هر [گزاره‌ای] که قید لادوام خورده است یا از دو چیزی (جزئی) تشکیل یافته است که نقیضشان در مفهوم واحد محقق، اشتراک ندارند. و از این مورد اهمال شده است در حالی که برخی از محصلین این دوران آن را بیان کرده‌اند.

## کتاب‌نامه

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۴۶). *الشفاء، المنطق، القیاس، القاهره: دارالکتب*.
- بازرگانی، ابراهیم و امیر عسگری سلیمانی (۱۳۸۷). «حمله مردده‌المحمول و کاربرد آن در استدلال‌های مباشر و قیاس‌های اقتراعی»، *معارف عقلی*، ش ۹.
- خونجی، افضل‌الدین (۱۳۸۹). *کشف الاسرار عن غوامض الافکار، مقدمه و تحقیق خالد الرویهب، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین - آلمان*.
- رازی، فخرالدین (۱۳۸۱). *منطق‌المالخص، تحقیق و تعلیق احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق*.
- رازی، قطب‌الدین (بی‌تا). *شرح مطالع الأنوار فی المنطق، قم: انتشارات نجفی*.
- رویهب، خالد (۱۳۸۹). *مقدمه و تحقیق کتاب کشف‌الأسرار، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین - آلمان*.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۰). *تعادیل المعیار فی نقد تنزیل الأفکار، تهران: دانشگاه تهران*.
- فلاحی، اسدالله (۱۳۸۹). «حمله مردده‌المحمول»، *معارف عقلی*، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، س ۵، ش ۳، پیاپی هفدهم.
- فلاحی، اسدالله (۱۳۹۱ الف). «عکس مستوی قضایای حقیقیه نزد خونجی»، *منطق‌پژوهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، س ۳، ش ۲.
- فلاحی، اسدالله (۱۳۹۱ ب). «نخستین کسی که نقیض جزئیة مرکبه را کشف کرد»، *وبلاگ منطق در ایران*، به آدرس: <http://www.logiciran.blogfa.com/post-258.aspx>

#### ۱۴۴ نقیض موجّهات مرکب جزئیّه نزد خونجی

فلاحی، اسدالله (۱۳۹۱ج). «زین‌الدین کشی و نقیض جزئیّه مرکبه»، وبلاگ منطق در ایران، به آدرس:  
<http://www.logiciran.blogfa.com/post-259.aspx>

فلاحی، اسدالله (۱۳۹۱د). «نقیض جزئیّه مرکبه و نوآوری افضل‌الدین خونجی»، وبلاگ منطق در ایران، به  
آدرس: <http://www.logiciran.blogfa.com/post-264.aspx>

فلاحی، اسدالله (۱۳۹۲). منطق خونجی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.  
قاعدی‌فرد، ابوذر (۱۳۹۰). «گزاره‌های همیشه‌صادق نزد خونجی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.  
قاعدی‌فرد، ابوذر (۱۳۹۰). «منطق موجّهات خونجی و گزاره‌های همیشه‌صادق نزد او»، معارف عقلی، ش ۲۱.  
قاعدی‌فرد، ابوذر (۱۳۹۲). «صورت‌بندی گزاره‌های موجهه نزد خونجی در منطق موجّهات زمانی جدید»، آینه  
معرفت، ش ۳۶.

نبوی، لطف‌اله (۱۳۸۱). منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.